



## چهار شخصیتی که «شهید نصرالله» آنها را بر شخصیت خود موثر می‌دانست

شهید سید حسن نصرالله خود را از پیروان امام موسی صدر و هم‌زمان تحت تأثیر شخصیت‌هایی چون امام خمینی و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌دانست.

شهید سید حسن نصرالله خود را از پیروان امام موسی صدر و هم‌زمان تحت تأثیر شخصیت‌هایی چون امام خمینی و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌دانست.

به گزارش خبرنگار مهر، جمعه ششم مهرماه ۱۴۰۳ در تاریخ امت اسلامی، به عنوان روزی تلخ ثبت شد. روزی که امت اسلامی داغدار از دست دادن شخصیت کم‌نظیری به نام سید حسن نصرالله شد. پیرامون شخصیت سیاسی و جهادی شهید نصرالله سخن بسیار گفته شده است اما آنچه کمتر از آن سخن پیرامون شخصیت علمی و دینی او به عنوان یک روحانی تمام‌عیار است.

حجت الاسلام و المسلمین شهید سید حسن نصرالله در ۳۱ اوت ۱۹۶۰ میلادی مطابق با نهم شهریور سال ۱۳۳۹ شمسی در محله فقیرنشین کرتینا در بخش شرقی بیروت متولد شد. پدرش سید عبدالکریم اهل روستای بازوریه از توابع شهر صور در جنوب لبنان بود که به بیروت مهاجرت کرده بود و در این محله مغازه میوه فروشی داشت. دوران کودکی و نوجوانی سید حسن در حومه بیروت گذشت. او تحصیلات ابتدایی را در مدرسه النجاج در شرق بیروت و بخشی از تحصیلات متوسطه را در دبیرستان التربویه در محله مسیحی نشین سن الفیل گذراند. او در این سالها برای کمک به مغازه پدر می‌رفت، مغازه‌ای که بر دیوارش عکس امام سید موسی صدر رهبر شیعیان لبنان آویزان بود. سید حسن شیفته امام موسی صدر بود و آرزو داشت روزی مانند او شود. سید مثل سایر بچه‌های محله اوقاتش را با فوتبال و شنا در دریا نمی‌گذراند، بلکه برای نماز جماعت به مسجد کرتینا می‌رفت و اگر چه هیچکس از افراد خانواده اش روحانی نبودند به رعایت مسائل دینی بسیار علاقمند بود و این علاقه از محدوده انجام فرایض معمول دینی مانند نماز و روزه هم فراتر رفته بود.

او که در سنین نوجوانی تحت تأثیر رفتار و سخنان امام موسی صدر قرار گرفته بود، به محله البرج در مرکز شهر بیروت و میدان شهدای کنونی می‌رفت تا از دست فروشها کتاب دست دوم خریداری کند. کتاب‌های اسلامی و سیاسی را می‌خرید و اگر گاهی کتاب علمی و فکری خاصی به دست می‌آورد و نمی‌توانست محتوایش را درک کند، آن را کنار می‌گذاشت تا وقتی بزرگ شد، بخواند.

در همین سال و با آغاز جنگ‌های داخلی لبنان، سید حسن پانزده ساله همراه خانواده به روستای بازوریه، زادگاه پدرش در جنوب لبنان کوچ کرد و تحصیلات دبیرستانی را در شهر صور ادامه داد. او در روستای بازوریه به صفوف جنبش افواج المقاومة اللبنانية (امل) پیوست. این پیوستن براساس میل قلبی او بود، چون مانند همه مردم جنوب لبنان به امام موسی صدر بنیانگذار جنبش امل علاقه فراوان داشت. روستای بازوریه در آن روزها همچون سایر مناطق لبنان، جولانگاه روشنفکران چپگرا، به ویژه هواداران حزب کمونیست لبنان یا گروه‌های فلسطینی بود. به هر حال دیری نپایید که سید حسن و برادرش سید حسین با آنکه جوان بودند، مسئولیت جنبش امل در روستای بازوریه را بر عهده گرفتند.

## آغاز طلبگی

در آن ایام شوق تحصیل علوم دینی لحظه‌ای سید حسن جوان را آرام نمی‌گذاشت. او که بسیار تحت تأثیر اندیشه امام موسی صدر بود به قشر روحانیت علاقمند شد و برای همین تصمیم گرفت که همانند ایشان به درس طلبگی مشغول شود و در آینده با حضور در جایگاه روحانیت و راهنمایی اخلاقی مردم، آنها را با دین خدا آشنا کند. او وارد حوزه علمیه «امام علی علیه السلام» در شهر بعلبک شد و مقدمات علوم دینی را نزد اساتید آن حوزه فرا گرفت. مؤسس این حوزه امام موسی صدر بود که آن وقت به مدیریت شهید سید عباس موسوی اداره می‌شد. در مدت حضور در جنوب لبنان با «سید محمد غروی» امام جمعه شهر شیعه نشین صور آشنا شد. وی سید حسن را به تحصیل در حوزه علمیه نجف تشویق کرد و سرانجام سید عازم حوزه علمیه نجف شد.

سید حسن در این خصوص می‌گوید: «من در شانزدهم یا هفدهم دسامبر سال ۱۹۷۶ با سیدعباس موسوی آشنا شدم. وقتی به نجف رسیدم ۱۶ ساله بودم و نخستین بار بود که به خارج از لبنان سفر می‌کردم. بعد از اینکه به منزل آقای عباس موسوی رفتم، با آقای آیت‌الله محمدباقر صدر ملاقات کردم. آقای محمدباقر صدر یک سری سوالات در مورد لبنان و تحصیل از من پرسید و از آقای عباس موسوی خواست که همه امور مسکن، زندگی و تحصیل من را تنظیم کند و مبلغی نیز به من داد. سیدعباس موسوی بسیار باهوش، حاضر و در کار و تحصیل جدی بود، تقدیر ما این بود که در منزل شهید محمدباقر صدر و هنگامی که ایشان

طلاب را به حضور خود نمی پذیرفتند، نزد ایشان رفتیم. این نشان دهنده جایگاه سیدعباس موسوی نزد محمدباقر صدر بود. لحظاتی بعد به دفتر ایشان که دفتری ساده و متواضعانه بود، رفتیم و این اولین بار بود که ایشان را می دیدم، سلام کردیم و نشستیم. من واقعاً دستپاچه شده بودم اما ایشان خیلی متواضع و با لبخند با ما برخورد کرد و به همین علت لحظاتی بعد فضا برای من عادی شد. ایشان درباره امام موسی صدر از من سوال کرد و قرار بود این جلسه پنج دقیقه بیشتر طول نکشد، اما نیم ساعت با هم صحبت کردیم. ایشان به سیدعباس نگاه کرد و گفت که شما از طرف من وکیل هستید و کارهای تحصیلی ایشان را مرتب کنید. سیدمحمد باقر صدر یک فقیه و اندیشمند و بزرگ ترین مدرس حوزه بود، ایشان از من پرسید که پول همراه دارم یا نه و من خجالت نکشیدم و گفتم که پولم تمام شده است. ایشان پولی به سیدعباس داد و گفت: این پول، عمامه و عبا و هزینه های تحصیلی ایشان است.»

سید حسن نصر الله پس از بازگشت به لبنان، قبل از هر چیز علاقه داشت تحصیلات حوزوی خود را ادامه دهد. مدتی نگذشته بود که سید عباس موسوی با همکاری تعدادی از علمای دینی لبنان، حوزه علمیه امام منتظر عجل الله فرجه الشریف را در شهر بعلبک تاسیس نمود. این حوزه از جمله مراکز نمونه به شمار می رفت و نقش بسیار مؤثر تبلیغی در منطقه بقاع و سایر مناطق همچون بیروت و جنوب لبنان داشت. سید حسن نصرالله در این حوزه هم در سطوح بالاتر درس می خواند و هم به طلاب جدید درس می داد.

### حکم امام

پیش از ظهر روز ششم آبان ۱۳۶۰ شمسی یاران جنبش امل به همراه سید حسن نصرالله در جماران به حضور امام خمینی رحمة الله علیه رسیدند. همان روز سید حسن نصرالله، حکم اجازه اخذ وجوهات شرعیه را در ۲۱ سالگی از امام دریافت نمود. این در حالی بود که امام خمینی رحمة الله علیه به ندرت چنین شرایطی را برای کسی ایجاد کرده بود شیخ صبحی طفیلی از سران مقاومت، هفت سال بعد (۱۴ آبان ۱۳۶۷) و شهید سید عباس موسوی اولین دبیر کل حزب الله، نیز در ۲۰ بهمن ۱۳۶۶ اجازه تصرف در امور حسبی و شرعیه را به امر امام پیدا کردند.

در حکم امام خمینی آمده است:

«بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين و بعد، جناب حجت الاسلام آقای حاج سید حسن نصرالله (دامت افاضاته) از طرف اینجانب مجازند در تصدی امور حسبی و اخذ وجوه شرعیه و مصرف مظالم عباد و زکوات و کفارات در مصارف مقرر شرعیه و در مورد سهمین مبارکین نیز مجازند در اخذ و صرف آن در مخارج خودشان به نحو اقتصاد و در مورد مازاد بر مخارج نیز مجازند نصف آن را در خارج سادات عظام کثرالله امثالهم و ترویج شریعت مقدسه صرف نموده و نصف دیگر را ارسال دارند.

واوصیه - ایده الله تعالی بما اوصی به السلف الصالح من ملازمة التقوی و التجنب عن الهوی و التمسک بعروة الاحتیاط فی امور الدین و الدنيا و ان لانیسانی من صالح دعواته و السلام علیه و علی اخواننا المؤمنین و رحمة الله و برکاته

روح الله الموسوی الخمينی»

شهید نصرالله درباره آخرین دیدار خود با امام می گفت: «من با همان جمع پنج شش نفر وارد شدم. گاهی که تنها می آمدم ایران، از امام وقت می خواستم، با وجود اینکه در سالهای آخر حیات ملاقات های حضرت امام سخت بود، ایشان مرا می پذیرفتند و من مسائل خودمان را مطرح می کردم و جواب می گرفتم. آخرین دیداری که من با امام (ره) داشتم، چند ماه قبل از وفات امام بود. گزارشی از اوضاع لبنان تقدیم کردم و مسائل را شرح دادم. آخرین دستاوردهای جنبش مقاومت اسلامی در جنوب لبنان را بیان کردم. فکر می کنم من در ماه شعبان خدمتشان رسیدم و حضرت امام مدتی بعد از ماه مبارک رمضان فوت کردند. در آن دیدار علیرغم وضعیت جسمی و شرایط شان، مطالب را با توجه و حوصله شنیدند.»

او در سالهای پس از رحلت امام، موفق شد به ایران بیاید و دوباره مشغول درس و بحث حوزوی شود. سید حسن در این خصوص می گوید: «علی رغم مسئولیت هایی که در حزب برعهده داشتم و تقریباً تمام وقت مرا می گرفت، تصمیم گرفتم درسم را ادامه بدهم هر چند که در پی اشغال گسترده و هجوم سراسری اسرائیل ناچار شدم درسم را موقتاً کنار بگذارم، ولی هفت سال بعد در سال ۱۹۸۹ شرایط دوباره برای ادامه ی تحصیلی مناسب شد و از این رو با موافقت حزب برای پایان تحصیلاتم به قم رفتم و به طور طبیعی حتی در آن شرایط هم شایعه پردازان دست از کار نکشیدند و طبق معمول حرفهای نادرستی نقل می کردند و می گفتند آقای نصرالله به خاطر اختلاف و درگیری با مدیران حزب از لبنان رفته است.»

تحت تأثیر چهار شخصیت هستیم!

شهید سیدحسین نصرالله خود را از پیروان امام موسی صدر و هم زمان تحت تأثیر شخصیت هایی چون امام خمینی و حضرت آیت الله خامنه ای می دانست و در این خصوص می گفت:

«باید اعتراف کنم که بسیار تحت تأثیر امام موسی صدر هستیم. البته اگر بخواهم دقیق تر بگویم باید بگویم که من تحت تأثیر چهار شخصیت بزرگ هستیم: حضرت امام خمینی (ره)، حضرت امام موسی صدر، رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای و شهید بزرگوار سیدمحمدباقر صدر. نه تنها من بلکه همه جوانان مجاهد و انقلابی لبنان تحت تأثیر این چهار شخصیت عظیم و بزرگ وار هستند»؛ من می توانم ادعا کنم که با تفکر و نوع نگاه حضرت امام خمینی (ره) و حضرت آیت الله خامنه ای به موضوعات مختلف به طور کامل آشنایی دارم و از طرف دیگر یک کار مطالعاتی گسترده روی اندیشه ها و آثار امام موسی صدر انجام داده ام. به اعتقاد من هیچ تفاوت و اختلاف اساسی میان تفکر و آراء امام خمینی (ره) و امام موسی صدر وجود ندارد.»